

شیوه‌های تفسیری حَسَنِین علیه السلام در منابع اهل سنت - حسین خاکپور، هادی زینی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سَفینه
سال پانزدهم، شماره ۶۰ «ویژه قرآن‌بسندگی»، پاییز ۱۳۹۷، ص ۷۲-۹۵

شیوه‌های تفسیری حَسَنِین علیه السلام در منابع اهل سنت

حسین خاکپور*

هادی زینی**

چکیده: آگاهی از روش تفسیری امام حسن و امام حسین علیه السلام به عنوان دو سبط و وارثان علم پیامبر، ما را به سوی استفاده صحیح و روشمند از قرآن رهنمون می‌سازد. این دو امام بزرگوار گرچه در دوران پر آشوبی زندگی می‌کردند، اما هر فرصتی را برای تبیین آیات الهی مغتنم دانستند، به طوری که جمع قابل توجهی از روایات تفسیری آنها در منابع اهل سنت ذکر و بدان استناد شده است.

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی ابتدا روایات تفسیری این دو امام را از مصادر فوق استخراج کرده و ضمن روش‌شناسی و شناسایی منابع مورد استفاده آنها در تفسیر نشان می‌دهد که سبطین در تفسیر قرآن، گاهی از روش‌های قرآن به قرآن، روایی، لغوی و کلامی استفاده نموده‌اند و زمانی قسمتی از قرآن را به گونه دیگری تبیین کرده‌اند که استفاده از جری و تطبیق، تبیین مجملات، بهره‌گیری از اسباب نزول و از آن دسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: روش؛ گرایش؛ امام حسن علیه السلام؛ امام حسین علیه السلام؛ روایات تفسیری.

*. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

درآمد

راه رسیدن به تعالیم والای اسلامی آشنایی با سیره اهل بیت علیهم السلام است و شناخت روش آنان جز با آگاهی از گفتارشان به ویژه در تفسیر قرآن، میسر نیست. زیرا به دلیل غیر مستند بودن دسته‌ای روایات تفسیری (سیوطی، بی‌تا، ۱۸۰/۴؛ علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۹۹) و گمان آور بودن برخی دیگر (رستمی، ۱۳۸۰، صص ۳۴-۳۳) کارایی آنها منحصر در روش تفسیر و شیوه برداشت از قرآن می‌باشد که بیشتر نقش آموزشی و تربیتی دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۹۵/۳؛ معرفت، ۱۳۸۵، ۴۵۱/۱)

در میان ائمه اطهار، امام حسن و امام حسین علیهم السلام در عصری زیستند که فتنه‌های حق‌نما و دورویی جای حق و حقیقت را گرفته بود، با این وجود سبطین به عنوان وارث علم پیامبر هر فرصتی را مغتنم دانسته و به تبیین آیات الهی پرداختند. تبلور کلام دلنشین این دو ریحانه رسول خدا، مهبط وحی و معدن علم الهی و سلاله نبی در مصادر اهل سنت، ضرورت پرداختن به موضوع مورد نظر را دو چندان می‌نمایند، زیرا آگاهی از روش اینان کمک شایانی به فهم قرآن و شیوه‌های تفسیر روشمند آن داشته و نکته‌سنجی و ثقل بودن اهل بیت را بر همگان می‌نمایند. نیز نشان می‌دهد که قرآن اگر به تنهایی مبنای فهم قرار گیرد، آسیب‌های فراوانی را در بر دارد که دچار شدن در ورطه خوارج، گونه افراطی آن است. ضمن این که ثقل بودن اهل بیت و رسالت عظیم تبیین قرآن توسط عترت نیز، این مسأله را رد می‌کند و با محل رجوع بودن اهل بیت و حدیث ثقلین نیز منافات تام دارد.

۱. روش قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که هر آیه‌ای به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود، این شیوه همزمان با نزول آیات آغاز شده و تا کنون ادامه یافته است. (مودب، ۱۳۸۰، ۱۷۴-۱۷۳) برخی شریف‌ترین و بهترین انواع تفسیر را استفاده

از خود قرآن می‌دانند. (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۶۸؛ مودب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۲، ص ۹۳) و برخی این نوع تفسیر را شیوه مورد قبول قرآن و ائمه می‌دانند. (طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ۱۹/۱) یکی از اسلوب‌های ویژه که حسین علیه السلام برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق به کار برده‌اند روش قرآن به قرآن می‌باشد.

ابن جریر از ابن مردویه از امام حسن علیه السلام روایت می‌کنند که شخصی از ایشان پرسید: مراد از شاهد و مشهود در سخن خداوند چیست؟ امام فرمود: آیا از شخص دیگری پرسیده‌ای؟ گفت: بله، از ابن عمر و ابن زبیر، آنها گفته‌اند مراد از شاهد، روز عید قربان و مشهود، روز جمعه است، امام فرمود: خیر، «شاهد» محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، به دلیل قول خداوند «جئناک علی هولاء شهداء» [نساء/۴۱] و «مشهود» روز قیامت است به دلیل سخن خداوند «ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود.» [هود/۱۰۳] (آلوسی، بی‌تا، ۸۶/۳۰؛ الشوکانی، بی‌تا، ۵۰۴/۵؛ الطبری، ۱۴۰۶ق، ۱۳۰/۳۰؛ ابن عطیه، ۱۹۹۲م، ۴۰۰/۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳ق، ۲۵۴/۷)

در تفسیر «در المنتور» روایت به همین شکل نقل شده است، ولی امام حسن در شاهد بودن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به آیه «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً» (احزاب/۴۵) استدلال می‌کند. (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ۴۶۴/۸) این حدیث از زبان امام حسین علیه السلام هم نقل شده است. ایشان فرمودند: شاهد، جدم رسول خداست و مشهود روز قیامت است به دلیل آیه «انا ارسلناک شاهداً» و «ذلک یوم مشهود.» (هود/۱۰۳) (الشوکانی، بی‌تا، ۵۰۴/۵؛ الطبری، ۱۴۰۶، ۱۵/۱۲؛ القرطبی، ۱۴۰۵ق، ۲۸۴/۱۹)

البته حدیث امام حسن علیه السلام در منابع شیعه هم مذکور است: (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۶۳/۸۶)

این گونه روایات نشان می‌دهد که امام معصوم می‌تواند با کنار هم نهادن آیات، اجمال آیه‌ای را برطرف سازد، زیرا آنها عدل قرآن هستند. اما این ویژگی از اختصاصات اهل بیت است و کسی می‌تواند این چنین برداشت نماید که از چشمه



سار زلال آنها نوشیده باشد. در غیر این صورت ممکن است با کنار هم گذاشتن برخی آیات به شیوه نادرست، به بیراهه رود.

۲. روش تفسیر روایی (قرآن به سنت)

از تفسیر قرآن در پرتو روایات رسیده از معصومان، با عنوان تفسیر روایی، نقلی و گاه اثری یاد می‌شود. (سبحانی، بی‌تا، ۱۵۳، سیفی ۱۳۶۸، ۱۰۸) در تفسیر کلام خداوند پس از قرآن کریم، سنت از جایگاه خاصی برخوردار است. زیرا پیامبر ﷺ بیش از هر فرد دیگر به تفصیل مجمل و بیان مشکلات کتاب خداوند آگاه است. (الشاطبی، ۱۳۹۵، ق، ۴/۴؛ مودب، ۱۳۸۰، ۱۸۲)

از دیدگاه شیعه امامیه، «سنت» به عنوان قول، فعل و تقریر معصوم ﷺ نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد و این بزرگواران حدیث خود را سخن جدشان رسول خدا دانسته‌اند. (الکلینی، ۱۳۶۱، ۵/۱؛ المجلسی ۱۳۵۸، ۱۷۸/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱، ق، ۱۷۰/۲) از این رو برخی عالمان شیعه بر این باورند که تفسیر قرآن، جز با حدیث صحیح پیامبر ﷺ و اهل بیت جایز نیست (الطوسی، ۱۴۰۹، ق، ۴/۱؛ مودب، ۱۳۸۶، ص ۹۳) در روایات ماثور سبطین از رسول خدا، گونه‌های مختلف تبیین آیات قابل مشاهده است.

۳. تفسیر واژه‌ای

شماری از روایات تفسیری این دو امام ﷺ به شکلی است که در تبیین آیات، تنها یک واژه یا برخی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی بکار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر ندارد. (رستمی، ۱۳۸۰، ۱۹۰)

۳-۱. بیان مصداقی

یکی از شیوه‌های تبیین واژه‌ای حسنین ﷺ بیان مصداقی است که در آن این دو امام همام، مصداق کلمه را بیان می‌کنند. به عنوان نمونه: ضمن حدیثی مصداق

کامل «اقتراف حسنه» در آیه «من یقترف حسنة نزد له فیها حسنا» (شوری/ ۲۳) را مودت اهل بیت علیهم السلام می‌دانند (حاکم نیشابوری، ۱۳۴۲، ۱۷۲/۳؛ ابن حجر الهیثمی، بی‌تا، ۱۳۶؛ محب طبری، بی‌تا، ۱۸۳؛ خرگوشی، ۱۳۶۱ش، ۱۶۹؛ سبط ابن جوزی، بی‌تا، ص ۱۸۳/۱؛ الشبرای، ص ۴۳؛ الکنجی الشافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۲، ۹۳، القندوزی، ۱۴۲۲ق ۴۵۴/۲)

۲-۳. بیان توصیفی و توضیحی

در این شیوه، معصوم به توصیف یا توضیح واژه می‌پردازد. به عنوان نمونه:
ذیل «یتعارفون بینهم» (یونس/ ۴۵) امام حسن علیه السلام فرمود: مرد همنشین خود را در کنارش (روز قیامت) می‌شناسد، اما نمی‌تواند با او سخن بگوید. (السیوطی، ۱۴۰۳ق ۳۶۴/۴)

۳-۳. بیان ظاهری

این قسم را می‌توان بیان تفسیری هم نامید که در آن توضیح معصوم از واژه همراه تفسیر است.

ذیل آیه «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» (نمل/ ۹۰) آمده که امام حسن علیه السلام آیه را خواند، سپس فرمود: خداوند عزوجل برای شما تمام خیر و تمام شر را در یک آیه جمع نموده است، عدل و احسان در راه طاعت خدا را ترک نکرد مگر آنکه [در این آیه] آن را جمع نمود و بدان امر کرد. فحشا و منکر و بغی در راه معصیت خدا را وانگذاشت مگر آنکه خداوند آن را [در آیه] جمع نموده، به حساب آورد و از معصیت و منکر بیزاری جست. (وهبه الزحیلی، ۱۹۹۱م، ۲۱۷/۱۴)

۴. روش عقلی-کلامی

حسین علیه السلام در پاره‌ای موارد- به ویژه آیات مربوط به عقاید و دفاع از حقوق اهل بیت علیهم السلام - از شیوه کلامی بهره برده‌اند. مهمترین وجه کلامی این دو امام را می‌توان در احتجاج به آیات قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام و بیان فرازمندی جایگاه عترت جستجو کرد.

۴-۱. خطبه امام حسن پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارش خطبه خواند [در برخی روایات، آیه «و اتبعت ملة آبائی ابراهیم و اسحاق» را خواند] و پس از حمد و ثنای خدا و ذکر علی علیه السلام به عنوان خاتم اوصیاء و وصی پیامبر و شهداء فرمود: در این شب مردی از میان شما مفارقت کرد که پیشینیان بر او سبقت نگرفته‌اند و پسینیان او را درک نکرده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرچم نبرد را به او می‌سپرد و می‌جنگید در حالی که جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او بود، بر نمی‌گشت تا اینکه پیروز می‌شد و بر روی زمین چیزی جز هفتصد درهم باقی نگذاشت که آنهم قصد داشت خادمی برای خانواده‌اش بخرد.

حدیث ادامه می‌یابد تا آنجا که امام حسن علیه السلام خطاب به مردم فرمود: ای مردم! آنکه مرا می‌شناسد، می‌شناسد و آنکه مرا نمی‌شناسد، بداند من، فرزند علی و فرزند پیغمبرم، من پسر آن کسی هستم که مردم را به رحمت خدا مژده داد و از کیفر خدا هشدار داد. من فرزند کسی هستم که مردم را به فرمان خدا فرا خواند، من فرزند چراغ نورانی راه خدایم، من از خاندانی هستم که «جبرئیل» به سوی ما نازل شد و از نزد ما، به سوی خدا، صعود می‌کرد، من از خاندانی هستم که خدای متعالی ما را از هرگونه پلیدی پاک و پاکیزه گردانید، من از خاندانی هستم که خدای تعالی دوستی ما را بر مسلمانان واجب گردانید، و خطاب به پیغمبرش صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» و فرمود: «و من یقترب حسنه نزد له فیها حسنا» [شوری، آیه ۴۲] مراد از «اقتراف حسنه (بدست آوردن حسنه)، دوستی ما اهل بیت است، که اگر کسی دست به دامن محبت ما دراز کند، خدای تعالی به بهره‌وری بیشتر او می‌پرازد، و او را از هر چیزی که پسندیده است، برخوردار می‌گرداند. (هیثمی، ۱۴۱۷، ۱۴۹/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۳، ۱/۴۵۷ و ۲/۲۲۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۵، ۶/۴۱۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۴۲،

۱۷۲/۳؛ قندوزی حنفی، ۱۴۲۲، ۴۲۳/۱؛ ابن حجر الهیتمی، بی تا، ص ۱۳۶، خرگوشی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۹؛ سبط ابن جوزی، بی تا، ۱۸۳/۱؛ الشیراوی، ۱۳۶۳ق، ۱۳۶۳ق، ص ۴۳؛ الکنجی الشافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۲؛ محب‌الدین الطبری، بی تا، ص ۱۸۳) حاکم در ادامه می‌گوید: اتفاق داریم که مراد آیه نزدیکان آل محمد علیهم‌السلام هستند.

۴-۲. خطبه امام حسن علیه‌السلام پس از اصابت خنجر

روایت شده که امام حسن علیه‌السلام پس از شهادت امام علی علیه‌السلام به خلافت رسید. یکی از روزها هنگامی که نماز می‌خواند شخصی به او حمله کرد و خنجر به ران آن حضرت فرو برد و امام مدت چند ماه بستری بود، پس از آن برخاست و بر منبر خطبه خواند و فرمود: ای اهل کوفه، از خداوند در حق ما پروا کنید زیرا ما امیران و میهمانان شمائیم، و ما همان خاندانی هستیم که خداوند در حقشان فرمود: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» راوی می‌گوید: تا آن روز مردم را این قدر گریان ندیده بودم. (هیثمی، ۱۴۱۷، ۱۷۲/۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳، ۴۸۶/۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳، ۱۹/۲-۱۸؛ الهیتمی، بی تا، ۱۳۹)

۴-۳. خطبه امام حسن علیه‌السلام پس از صلح با معاویه

امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «من این کار را برای اصلاح امور مسلمین و حفظ خون آنها انجام دادم و گرچه می‌دانم این آزمایشی است برای شما»، آنگاه ادامه می‌دهد:

ای مردم بدانید که خداوند، شما را به واسطه نخستین فرد ما هدایت فرمود و به سبب دیگری خون شما را نگاه داشت. این دنیا روزگاری چند و مدتی دارد. خداوند تبارک و تعالی به رسولش فرمود: و نمی‌دانم آیا نزدیک است و یا دور آنچه به شما وعده داده‌اند، خداوند آنچه را بلند می‌گویید و آنچه را آهسته می‌گوئید می‌داند، نمی‌دانم شاید آن (اعلام یا تأخیر عذاب) آزمایشی باشد برای شما تا وقتی معین که برخوردار شوید. (انبیا/ ۱۱۰-۱۱۱) و شاید این برخورداری همه

روزگار باشد. نیز خداوند فرمود: بر انسان روزگاری گذشت که چیز قابل ذکری نبود، (انسان/۱) یعنی همه روزگار. نیز خداوند فرمود که درخت در تمام زمانها به اذن خداوند میوه می‌دهد؛ (ابراهیم/۲۵) مراد درخت خرماست، از جهت زمانی که میوه می‌دهد تا زمانی که خالی از میوه می‌شود. نیز خداوند می‌فرماید: او را (یوسف) تا مدتی مشخص در زندان افکندند. (یوسف/۳۵) (السیوطی، ۱۴۰۳، ۶۸۸/۵)

امام می‌خواهد بفرماید که تمام این زمانها به اذن خدا و در محضر اوست؛ چه مدتی که به انسان فرصت داده می‌شود. که شاید در اعمال خودش بنگرد و درس بگیرد و شاید این فرصت یک عمر طول کشد. زمانی که انسان هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته بود این زمان هم در اختیار خدا بود. درختها نیز به اذن خداوند میوه می‌دهند و به اذن او خشک می‌شوند و مدت زندانی ظاهری یوسف هم به اذن خدا و زمان آن در حیطه قدرت او بود.

در این روایت، امام برای آگاهی مردم به آیات (انبیاء/۱۱۱)، (دهر/۱)، (ابراهیم/۲۵) و (یوسف/۳۵) احتجاج و استدلال می‌نمایند.

۴-۴. احتجاج امام حسن و امام حسین علیهما السلام به آیه تطهیر

ابن سعد از ابی یحیی روایت نموده که روزی مروان بن حکم به امام حسن و حسین علیهما السلام گفت: اهل بیت ملعون هستند. امام حسین علیه السلام به او گفت: ای ملعون و پسر ملعون! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدرت را در حالی که تو در صلب او بودی، لعن نموده است، در حالی که ما خاندانی هستیم که هرگونه رجس و پلیدی از ما دور شده و پاک و طاهر گشته‌ایم. (سبط ابن جوزی، بی‌تا، ۱۲۷/۲؛ ابن سعد، بی‌تا ص ۳۵؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۲ و فیات سال ۹۰-۶۱ و ص ۳۶۶ و فیات سال ۳۱) این حدیث از امام حسن علیه السلام نیز نقل شده است. (ابن سعد، همان؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ۳۲۹/۴)

۴-۵. احتجاج امام حسین علیه السلام به آیه مودت

امام حسین علیه السلام ضمن حدیثی می‌فرمایند: قرابتی که خداوند حق آنها را تعظیم نموده و امر به رعایت حقوق آنها نموده است و اجر رسالت پیامبر را محبت به آنها قرار داده، قرابت ما اهل بیت است. (حسکانی، ۱۳۹۳، ۱۴۴/۲)

با این بیان مشخص گردید که سبطین با احتجاج به آیات متعدد، جایگاه خود را به عنوان یکی از ثقلین به مردم یادآور می‌شدند؛ بدان امید که عده‌ای یادآور شوند و این در قیامت دستگیر آنها باشد؛ آن چنان که امام حسن فرمود: «هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد خداوند او را در سایه‌ای گسترده داخل کند روزی که هیچ سایه‌ای نیست. هر کس ما را به خاطر خودمان دوست بدارد خداوند با بهشت او را کفایت می‌کند. و هر کس برای دنیا ما را دوست بدارد، خداوند روزی‌اش را از جایی که گمان نمی‌کند ارزانی می‌دارد.» (ابن صباغ، بی‌تا، ص ۱۸۸؛ الشبلنجی، بی‌تا، ص ۱۸۹؛ الزرنندی، بی‌تا، ص ۱۰۳) در حدیث دیگری امام می‌فرماید: «هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد در روز قیامت همنشین ما خواهد بود مثل این دو انگشت...».

۵. گونه‌های دیگر

در برخی موارد، سبطین به شیوه‌های دیگری قرآن را تبیین می‌نمودند.

۵-۱. استفاده از جری و تطبیق در تفسیر

«جری» در لغت یعنی روان شدن و جریان داشتن. (قرشی، ۱۳۷۵، ۳۰/۲) جری به این معنا تعبیری است که خود ائمه برای بیان استمرار قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۹/۲۳) و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی است غیر از آنچه درباره آنها نازل شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۴/۱، میر باقری، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶) در روایات، الفاظ و آیات بسیاری از قرآن کریم بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و

مخالفان آنها انطباق یافته است. ادله‌ای که می‌تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید نماید، تعددند. پاره‌ای از آنها خود اخبار جری می‌باشند. (شاکر، ۱۳۷۶، ۱۴۹)

این شیوه در کلام سبطین به گونه‌های مختلفی قابل مشاهده است.

۵-۱-۱. مصداق «آتم»

گاه یک آیه و یا قسمتی از آن پذیرای مصادیق متعددی است اما یکی از مصادیق از بقیه کاملتر و جامع‌تر است که آن را مصداق «آتم و اکمل» می‌نامند. به عنوان نمونه ذیل آیه «نزعنا فی صدورهم من غلّ» (اعراف/۴۳) از امام حسن علیه السلام روایت شده که ایشان آیه را فقط در مورد اهل بدر دانسته‌اند. (ابن عطیه، ۱۹۹۲م، ۴۰۱/۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳، ۲۰۱/۱؛ قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ۳۰۹/۱)

در بیانی دیگر امام حسن علیه السلام آیه «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبت سبع سنابل...» (بقره/۲۶۱) را درباره کسانی جاری دانسته‌اند که با رسول خدا بیعت نموده و هجرت کنند، و کاری انجام ندهند مگر به اذن رسول خدا، که در این صورت هر حسنه آنها هفتصد برابر بلکه بیشتر می‌شود. (سیوطی، ۱۴۰۳، ۲۷/۲)

۵-۱-۲. مصداق عام

در برخی موارد، آیه پذیرای مصادیق متعددی است که از حیث رتبه یکسان می‌باشند و امام یکی از آنها را بیان می‌کند. تطبیق آیه «کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» (مطففین/۱۴) بر «حبیب بن سلمه» خواندنی است.

ابن سعد از اسود بن قیس العبیدی روایت کرده که گفت: «حسن بن علی علیه السلام را دیدم که به حبیب بن سلمه فرمود: ای حبیب چه بسیار راه‌هایی که تو می‌روی و در غیر طاعت خداست. گفت: ولی من در راه پدر تو هستم نباید این گونه باشد. امام گفت: بله، اما تو معاویه را اطاعت می‌کنی آنها برای متاع کم و فانی دنیا، اگر

او همراه تو برای دنیایت گام بردارد تو را از آخرت باز می‌دارد، و اگر شرّی انجام دهی، می‌گوید: این کار خیر است. و این است سخن خدای تعالی که فرمود «عمل صالح را با غیر صالح درهم آمیزند»، اما تو مصداق این آیه هستی: «کلا بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون». «در قلبهایشان چیزهایی را جاری می‌سازند که آن را کسب نکرده‌اند» (اعراف/۱۴) (سیوطی ۱۴۰۳، ۲۸۰/۴؛ آلوسی، بی‌تا، ۱۳/۱۱) (کنایه از اینکه ادعا می‌کنی بر دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام هستی، اما در عمل چنین نیست)

در حدیث دیگر از امام حسن علیه السلام وارد شده که ایشان در بیان مصداق «نعمت» در آیه «و اما بنعمت ربک فحدث» (ضحی/۱۱) فرمود: آنچه از خیر انجام داده‌ای. (الشوکانی، بی‌تا، ۵۶۱/۵) قرطبی حدیث را از امام، این گونه نقل می‌کند: «الرجل المؤمن يعمل عملاً صالحاً فیخیر به اهل بینه» (۴۰۵/۱، ۱۰۲/۲۰)

امام حسن علیه السلام در بیانی دیگر، جریان تسلط معاویه بر مردم را مصداق «فتنه» در آیه «و ان ادری لعله فتنه لکم و متاع الی حین» (اسراء/۶۰) دانسته‌اند. (قرطبی، ۱۴۰۵، ۲۸۳/۱۰؛ آلوسی، بی‌تا، ۱۱۶/۲۸)

۵-۳. مصداق خاص

در این گونه بیان، امام یکی از مصادیق خاص آیه را بیان می‌دارند، جایی که آیه فقط بر مصادیقی خاص قابل انطباق است. به عنوان نمونه:

ذیل «السابقون الاولون» (توبه/۱۰۰) سلیم بن قیس از امام حسن علیه السلام نقل می‌کند که او حمد و ثنای خداوند را گفت و فرمود: خداوند می‌فرماید: «السابقون الاولون» همچنانکه سبقت گیرندگان بر دیگران بخاطر سبقت خود برتری دارند، علی علیه السلام هم بر دیگران برتری دارد. (حسکانی، ۱۳۹۳، ۲۵۶/۱)

در این بیان، امام حسن علیه السلام، یعسوب الدین را از مصادیق خاص «السابقون الاولون» دانسته‌اند.

۵-۲. تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

در پاره‌ای موارد، تفسیر امام از راه شرح جریان تاریخی است یا اینکه امام برای تبیین بیشتر قصه‌ای تاریخی را بیان می‌دارند. به عنوان نمونه: ذیل آیه «یا یحیی خذ الكتاب بقوة» (مریم/۱۲) در چگونگی برخورد حضرت یحیی علیه السلام با سلطان زمان خویش، از امام حسین علیه السلام روایت شده که در زمان حضرت یحیی پادشاهی فوت کرد و همسرش و دخترش باقی ماندند، برادرش بر تخت پادشاهی نشست و خواست با دختر برادرش ازدواج کند، از یحیی پرسید و او گفت: این بغی است و این کار را نکن، پس خبر به زن رسید و گفت: یا یحیی را بکش یا او را از کشور تبعید کن؛ مرد چون خواست با او ازدواج کند، گفت: هرچه بخواهی به تو می‌دهم. گفت من چیزی جز سر یحیی نمی‌خواهم، او هم این کار را انجام داد و یحیی را به قتل رسانید. (سیوطی، ۴۰۳ق، ۴۹۱/۵)

این روایت را سیوطی از زبان مبارک امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند.

۵-۳. تفسیر از راه تبیین مجمل

یکی دیگر از گونه‌های تفسیر سبطین علیه السلام تبیین اجمال آیات و کلمات قرآن است. برای اجمال آیات اسبابی چند را بر می‌شمرند. (سیوطی، بی تا، ۶۰۳-۵۹) روش تبیین مجملات در کلام این دو امام همام، به دو گونه قولی و فعلی تبلور یافته است که به گوشه‌هایی اشاره می‌کنیم.

الف: تبیین عملی

گاه امام با عمل خویش لفظ مجمل را تبیین می‌نمایند. به عنوان مثال از امام حسین علیه السلام ذیل آیه «ان ناشئة الليل هي اشد وطاء» (الزمل/۶) روایت شده: «یصلی فیما بین المغرب و العشاء، فقیل له فی ذلک، فقال: انما من الناشئة» (سیوطی، ۱۴۰۳، ۳۱۷/۸) امام بین نماز مغرب و عشاء نماز خواندند، گفته شد: این چه بود؟ فرمودند: این از «ناشئه» است.

یعنی اینکه مقصود از «ناشئه الليل» نماز مستحبی بین مغرب و عشا می باشد. این حدیث به دو گونه قولی و فعلی از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده. (ر.ک: آلوسی، بی تا، ۱۰۵/۲۹، قرطبی، ۱۴۰۵، ۴۰/۱۹)

ب: تبیین قولی

۱. برطرف نمودن غرابت لفظ

در پاره‌ای موارد استفاده قرآن از واژگانی سابقه قبلی نداشته، یا به شکلی است که برای برخی غریب می نمایاند. یکی از روش‌های تبیین امام حسن و حسین علیه السلام تبیین این گونه آیات است. به عنوان نمونه: معنی دو اصطلاح «ادبار السجود» و «ادبار النجوم» در ابتدا روشن نیست، اما از امام حسن علیه السلام: «ادبار السجود» دو رکعت پس از نماز مغرب و «ادبار النجوم» دو رکعت قبل از نماز صبح است. (قرطبی، ۱۴۰۵، ۲۵/۱۷)

قرطبی در ادامه می افزاید: این حدیث از (امام) علی بن ابی طالب و حسن بن علی علیه السلام روایت شده؛ و گرچه «ادبار السجود» به نظر می رسد نماز مستحبی پس از هر نمازی باشد، اما صحیح تر همان است که بیشتر نقل شده یعنی روایت علی و حسن علیه السلام.

۲. برطرف نمودن اشتراک لفظ

گونه دیگر تبیین لفظ مجمل، برطرف نمودن اشتراک آن است. به عنوان نمونه: در آیه «فلما قضی موسی الاجل» (قصص/۲۹) معلوم نیست مراد کدام «اجل» است، هشت سال یا ده سال؟! زیرا در آیه ۲۷ همین سوره به هر دو مدت اشاره شده است «... علی ان تاجرني ثماني حجج فان اتممت عشراً فمن عندك...»؛ به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال تمام گردانی اختیار با توست. آلوسی می گوید: مراد مهلت دوم است، زیرا این را مقسم از حسن بن علی بن

ابی طالب نقل نموده است. (بی‌تا، ۷۱/۲) البته سیوطی روایت را از امام حسن و امام حسین علیهما السلام (۴۱۰/۶) نقل می‌کند.

نمونه دیگر: ابن عطیه می‌گوید: شکی نیست که مراد از «یوم الفرقان» روزی است که صنادید قریش در جنگ بدر کشته شدند، و بر این سخن نصی از حسن بن علی علیه السلام و ابن عباس و ... گواه است (۱۹۹۲م، ۵۳۲/۲) «عن الحسن بن علی رضی الله قال کانت ليله الفرقان يوم التقى الجمعان سبع عشرة مضت من رمضان.» (سیوطی ۱۴۰۳، ۷۲/۴)

با این بیان امام حسن علیه السلام مشخص می‌نمایند که مقصود از «یوم الفرقان» در آیه ۴۲ سوره انفال، روز جنگ بدر و هفدهم رمضان است.

۴-۵. تفسیر از راه بیان اسباب نزول

یکی از راههای فهم معنا و مقصود، توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است (برخی از آیات قرآن در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شده‌اند که آن را «سبب نزول» می‌نامیم.) (زرقانی، ۱۹۸۸م، ۱۰۷)

تنبه دادن به سبب نزول آیه، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری سبطین علیهما السلام است که نمونه‌هایی را می‌آوریم.

ذیل آیه «و علی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت الارض بما رحبت» (توبه/ ۱۱۸) از امام حسن علیه السلام در مورد نزول آیه روایت مفصلی وارد شده که خلاصه آن چنین است.

ابن منذر و ابن ابی حاتم و ابو الشیخ از امام حسن علیه السلام روایت کرده‌اند: آیه در باره سه نفری است که از جهاد با رسول خدا سر باز زدند، به نام کعب بن مالک، هلال بن امیه و مراره بن الربیع. هر کدام برای این امر بهانه‌ای آوردند، سپس از این امر پشیمان شد، از زن و فرزند جدا شدند و به مکان دوری رفتند. آن جا هم از یکدیگر جدا شدند و شروع به انابه و توبه نمودند؛ بالاخره توبه آنها پذیرفته

شد و این آیات نازل گردید. (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ۲/۲۰۵)

از امام حسن علیه السلام روایت شده که آیه: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا ماتین» (انفال/۶۶) درباره اصحاب بدر نازل شد و سپس رخصت داده شد. (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ۴/۱۰۳)

۵-۵. تبیین آیات الاحکام

گونه دیگری از روش‌های تفسیر این دو امام همام، استفاده فقهی از آیات قرآن یا بیان مسائل فقهی پیرامون آنهاست. این شیوه به دو گونه قابل مشاهده است.

الف: استفاده فقهی از کلام امام

در این شیوه، مفسر پس از نقل کلام امام از آن استفاده فقهی می‌نماید. به عنوان نمونه:

«عن الحسین بن علی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: امان لامتی من الغرق اذا رکبوا فی الفلک «بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیامه و السماوات مطویات بیمیینه. سبحانه و تعالی عما یشرکون»، بسم الله مجریها و مرساها ان ربی لغفور رحیم. (قرطبی، ۱۴۰۵، ۳۷/۹، ۲۷۷/۱۵؛ الشوکانی، بی تا، ۲/۵۶۹)

قرطبی ذیل این حدیث می‌گوید: و فی هذه الایه دلیل علی ذکر البسمله عند ابتداء کل فعل؛ در این آیه دلیلی است بر این که ابتدای هر کاری باید «بسم الله الرحمن الرحیم» گفت. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۳۷/۹، ۲۷۷/۱۵)

قرطبی ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب در بحث استیجاب پوشش حتی هنگامی که انسان در حمام است، به عمل امام حسن علیه السلام استناد می‌کند «و عن عبدالاعلی ان الحسن بن علی دخل غدیرا و علیه برداً له متوشحاً به. فلما خرج قیل له، قال: انما تسترت من یرانی و لا اراه یعنی من ربی و الملائکه» (۱۴۰۵ق، ۲۵۲/۱۴) از عبدالاعلی روایت شده که حسن بن علی علیه السلام وارد آبگیری شد و بُردی همراهش بود که به وسیله آن خودش را پوشیده بود، چون خارج شد در مورد این کار، از او پرسیدند. امام گفت: خودم

را از کسانی پوشاندم که من را می‌بینند و من آنها را نمی‌بینم و من آنها را نمی‌بینم، یعنی خدا و ملائکه. این نهایت حجب و حیای امام است.

در روایت دیگری نقل شده که امام حسن و امام حسین علیهما السلام هیچ گاه همسران پیامبر را بدون پوشش ندیدند. «ذكر القاضي اسماعيل عن الحسن و الحسين رضی الله عنهما انهما كانا لا يرين امهات المؤمنين» (همان، ۲۳۲/۱۲) این نشان دهنده اوج محافظت بر نگاه است.

در مقدار متعه هم به عمل امام حسن علیه السلام استشهد شده است:

«متع الحسن بن علی رضی الله عنه امرأة له بعشرة آلاف درهم. فقالت: متاع قليل من حبيب مفارق» (بغوی، ۱۴۱۴، ۱/۱۶۲؛ ابن عطیه ۱۹۹۲م، ۱/۳۱۹؛ الشوکانی، بی تا، ۱/۲۹۲؛ وهبه الزحیلی، ۱۹۹۱م، ۲/۳۸۸) ذیل آیه «لا جناح علیکم ان طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضوا لهن فريضة و متعوهن علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا علی المحسنين» از امام حسن روایت شده که ایشان همسری را به ده هزار درهم متعه نمود. در تفسیر معالم التنزیل اضافه می‌کند: متاعی اندک از دوستی که جدا شده. (۱/۱۶۲) در «محرر الوجیز» می‌گوید به بیست هزار و ظرفی عسل (۱/۳۱۹) و قرطبی هم این حدیث را می‌آورد. (۱۴۰۵، ۳/۲۰۲) قرطبی در بحث احقاق حق مظلوم، ذیل (نحل / ۹۱) جریان امام حسین علیه السلام را نقل می‌کند که ایشان خطاب به ولید بن عقبه که حاکم مدینه بود، فرمود: قسم به خدا شمشیرم را می‌گیرم و در مسجد رسول خدا می‌نشینم و جوانمردان را فرا می‌خوانم ... چون خبر به ولید رسید انصاف را در حق امام رعایت کرد، صاحب «الجامع لاحکام القرآن» در ادامه می‌گوید: «این عمل نشان می‌دهد که گرفتن حق مظلوم در اصل شریعت واجب است. (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۰/۱۶۸)

آلوسی از امام حسن علیه السلام یاد می‌کند که هنگام نماز بهترین لباسهایش را می‌پوشید و می‌گفت «خذوا زینتکم عند کل مسجد». آنگاه می‌افزاید: این کار حمل بر وجوب

نمی شود. (آلوسی، بی تا، ۱۰۹/۸)

ب: کلام فقهی امام حسن و حسین علیه السلام

مقصود مواردی است که سخن امام، ذیل آیه‌ای، حاوی نکته‌ای فقهی است. به عنوان نمونه:

از امام حسن علیه السلام روایت شده که مضمضه و استنشاق آب، قبل از وضو مستحب است. (ابن کثیر، ۱۴۰۳ق، ۵۰۹/۲)

سیوطی ذیل آیه «هو الذی جعل لکم النجوم لتبهتوا...» (انعام/۶۹) از امام حسن علیه السلام روایت می‌کند: چون خداوند خیبر را برای رسول خدا فتح نمود، حضرت تکیه‌گاهی خواست و بر آن تکیه کرد، خدای را حمد گفت و از فتح خدا برای رسولش و یاری خدا گفت و سپس از چند چیز نهی کرد: مهر با بغی، بهای سگ، خوردن گوشت الاغ اهلی، ضرب سکه طلا با طلا با زیادتى و نقره با نقره و نگاه کردن به ستارگان [به قصد طالع بینی]. (۳۳۱/۳، ۱۴۰۳)

۵-۶. تفسیر از راه بیان مسائل اخلاقی

قرآن کتاب هدایت است و فرازهای آن هم در درجه اول حاوی همین نکته است. کلام عترت هم که مبین کلام الهی است، در گام نخست متوجه همین هدف والاست. از این رو بیان مسائل اخلاقی، هدایتی، تربیتی از سوی سبطین علیه السلام در ضمن آیات قرآن برای نیل به این هدف به اشکال گوناگونی بروز می‌کند.

الف- هدایت عملی

مهمترین و اثرگذارترین بُعد اخلاق، عمل به آیات الهی است؛ زیرا اگر فرد خود عامل به قرآن و ظرف تجلی آیات آن در گفتار، رفتار و اعمالش باشد، بیشترین اثرگذاری را خواهد داشت. این مقوله به وضوح در عمل سبطین علیه السلام قابل مشاهده است، به عنوان نمونه:

۱. عصام بن مطلق می‌گوید: داخل مدینه شدم. حسن بن علی علیه السلام را دیدم راه رفتن، کردار و اعمالش مرا به إعجاب واداشت. حسد و بُغضی که نسبت به پدرش داشتم در سرم شعله ور شد، گفتم: تو فرزند علی بن ابیطالب هستی؟ گفت: بله، من او و پدرش را بیشتر ناسزا گفتم، او با نگاهی همراه عطوفت و مهربانی به من نگریست «و گفت: اعوذ بالله ... پناه می‌برم به خدا از شر شیطان رانده شده، به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» فقرأ الی قوله: «فاذا هم مبصرون» «عفو کنید و به نیکی امر نمایید و از جاهلین اعراض کنید» و آیه را خواند تا رسید به «سپس آنگاه بینا شوند» سپس به من گفت: از تو درگذشتم، برای خودم و تو استغفار نمودم، اگر کمکی از ما می‌خواهی یاریت دهیم، اگر حمایت و پشتیبانی می‌خواهی، حمایت کنیم، اگر راهنمایی می‌خواهی راهنمایت کنیم، از آنچه در حق ما روا داشتی پشیمان می‌شوی. آنگاه امام گفت: سرزندی بر شما نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او بخشنده مهربان است.

آیا تو از اهل شام هستی؟ گفتم بله. امام فرمود: «شنشنه» این عادت است که از اخزم می‌شناسم [نام شخصی که عاق پدرش شده بود و این عبارت ضرب المثل گردید] (ظاهراً مراد امام این است که عادت مردم آن دیار است و بر تو گناهی نیست و تو بی‌اطلاعی). خداوند تو را زنده نگه دارد و تو را پناه دهد. عصام گفت: در این هنگام، زمین با همه وسعت آن برایم تنگ شد و دوست داشتم مرا در خود فرو برد. آنگاه از امام کمک و مشاوره گرفتم و اینک هیچ کس از او و پدرش در روی زمین برایم محبوب‌تر نیست. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۳۵۰/۷)

۲. جعفر بن عون از مشعر از راوی نقل می‌کند: «ان الحسن بن علی کان یجلس الی المساکین ثم یقول «انه لا یحب المستکبرین.» (طبری، ۱۴۰۶ق، ۹۴/۱۴ ذیل نحل/۲۳)

این حدیث نهایت تواضع امام را می‌رساند: ایشان با مسکینان همنشین می‌شد و

می فرمود: خداوند مستکبرین را دوست ندارد.

۳. درباره امام حسن علیه السلام نقل شده است که مردی به او گفت: مردم گمان می کنند که تو دچار کبر (تیه) شده ای. امام فرمود «تیه» نیست بلکه عزت است، و این آیه را خواند: «و الله العز و لرسوله و للمؤمنین». (آلوسی، بی تا، ۱۱۶/۲۸) (منظورش از تیه، کبر و غرور بود).

۴. ابن ابی حاتم از امام حسن علیه السلام روایت نموده که ایشان فرمود: هیچ شبی نیست مگر اینکه ندا دهنده ای فریاد می زند: ای صاحبان خیر! بشتابید و بیشتر خیر جمع کنید. و ای صاحبان شر! بس است، کم کنید. شخصی به حسن بن علی علیه السلام گفت آیا این را در کتاب خداوند یافته ای؟ گفت: بله: خداوند به سوی سرای سلامت می خواند. «الله یدعو الی دار السلام» (یونس/۲۵) و گفت: برای ما گفته اند که در تورات نوشته شده: ای روندگان به سوی خیر بشتابید و ای صاحبان شر دیگر بس است. نیز ابوالشیخ از امام حسن علیه السلام روایت نموده که هر گاه ایشان این آیه را می خواند «والله یدعو الی دارالسلام»، می گفتند: خداوند لبیک می گویم، سعادت و سلامت را برایم قرار بده. (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ۳۵۶/۴)

۵. «روی عن الحسن السبط رضی الله عنه انه كان اذا قام الی الصلاه لبس اجود ثیابه. فقيل له: یابن رسول الله، لم تلبس اجود ثیابک؟ فقال: ان الله تعالى جمیل و یحب الجمال، فأتحمّل لربی و هو یقول: «خذوا زینتکم عند کل مسجد»، فاحب ان البس اجمل ثیابی.» (آلوسی، بی تا، ۱۰۹/۸)

از امام حسن علیه السلام روایت شده که هر گاه برای نماز قیام می فرمود بهترین لباسش را می پوشید. گفتند: ای فرزند رسول خدا چرا بهترین لباست را می پوشی؟ گفت: زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، پس برای خدایم زیبا نمودم، زیرا خدا فرمود: زینتهایتان را هنگام نماز بگیرید.

ب- آگاهی دادن به فضایل آیات

یکی دیگر از شیوه‌های تربیت اهل بیت علیهم‌السلام آگاه نمودن مردم از فضایل و خواص آیات و تنبّه دادن آنها بدان است. به عنوان نمونه:

۱. ابن ابی الدنیا در کتاب الدعاء و خطیب در تاریخ خودش از امام حسن علیه‌السلام روایت نموده‌اند که ایشان فرمود: من ضامن هستم که هر کس این بیست آیه را بخواند خداوند او را از هر سلطان ظالم و هر شیطان متجاوز و هر درنده ضرر رسان و هر دزد سرکش، حفظ نماید: آیه الكرسي، سه آیه از سوره اعراف (۵۴، ۵۵، ۵۶) ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض، ده آیه اول صفات و سه آیه از سوره الرحمن (۳۳، ۳۴، ۳۵) یا معشر الجن ... و انتهای سوره حشر. (السیوطی، ۱۴۰۳، ۱/۳؛ الشوکانی، بی‌تا، ۲/۲۴۲)

۲- امام حسن علیه‌السلام «ثلاث آیات وجدتها فی کتاب الله تعالی، اکتفیت بها عن جمیع الخلائق قوله: و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردک بخیر فلا راد لفضله...» (السیوطی، ۱۴۰۳، ۴/۳۹۴ ذیل یونس/۱۰۷) سه آیه است که از جمیع خلائق به آنها اکتفا نموده‌ام، و آن سخن خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: «اگر خداوند ضرری به تو رساند هیچ کس نمی‌تواند آن را برگرداند مگر خداوند. و اگر خیری به تو دهد هیچ کس نمی‌تواند مانع آن شود.»

۳- طبرانی به سند خود از حسن بن علی علیه‌السلام نقل نموده که ایشان گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: هر کس آیه الكرسي را پس از هر نمازش بخواند، تا نماز دیگرش تحت حمایت خداوند خواهد بود. (السیوطی، همان، ۲/۶)

۴- از امام حسین علیه‌السلام روایت شده هر کس هنگام خروج از خانه در صبحگاه هفت مرتبه بگوید: «حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العلیم»، آن روز مصیبتی به او نمی‌رسد و نگرانی و اندوهی در آن شب او را فرا نگیرد و آسیبی نبیند و

نتیجه گیری

نقل روایات تفسیری سبطین علیه السلام در منابع اهل سنت جلوه‌ای خاص دارد، چه آنکه این دو امام همام - با شرایط کاملاً متفاوت - به روش‌ها و گونه‌های مختلف، قرآن را تبیین نموده و چراغ راه پویندگان حق و حقیقت شده‌اند.

آن دو امام همام، زمانی قرآن را به نطق در آورده و به شیوه «قرآن به قرآن» به تبیین آن دست یازیده‌اند، گاهی به بیان مصداق واقعی آیات پرداخته و راه را بر تفکرات انحرافی می‌بندند. این دو حجت خدا در مواجهه با کسانی که جویایی سنت نبوی هستند، کلام خود را مستند به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نموده و گاه با احتجاج به آیات قرآن و به شیوه کلامی فرازمندی جایگاه عترت در کنار قرآن را به مردم یادآور می‌شوند. یعنی همان حقیقتی که پیامبر بارها در حدیث ثقلین فرمودند.

البته در مواردی اندک روش قرآن به قرآن را در کلام ایشان می‌بینیم، اما باید توجه داشت قرآن بدون عترت نمی‌تواند فهم استقلالی داشته باشد، فهمی که مقصود خداوند باشد و انسان را در ورطه هلاکت نیفکند. فرقه‌های منحرفی چون خوارج که می‌گفتند کتاب خدا ما را کفایت می‌کند، بر این نکته پای می‌فشرده که نیازی به سنت و عترت نیست. آنان دچار قرآن گرایی افراطی شده، هم خود هلاک شدند و هم دیگران را به هلاکت افکندند. ضمن این که ثقل بودن اهل بیت و رسالت عظیم تبیین قرآن توسط عترت نیز این مسأله را رد می‌کند و با محل رجوع بودن اهل بیت و حدیث ثقلین نیز منافات تام دارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دارالقرآن الکریم.
۲. ابوالوسی، ابوالفضل شهاب الدین السید محمود (بی تا) *روح المعانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن ابی الحدید (۱۳۸۷) *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة، دار احیاء الکتب العربیه.
۴. ابن تیمیه، تقی الدین احمد (۱۳۹۲) *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۵. ابن حجر الهیتمی، احمد (بی تا) *الصواعق المحرقة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی تا) *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفه.
۷. ابن سعد، (بی تا) *طبقات الکبری*، بیروت، دارالفکر.
۸. ابن صباغ المالکی، نورالدین (بی تا) *الفصول المهمه فی معرفه الأئمه*، نجف المطبعه الحیدریه.
۹. ابن عطیه، (۱۹۹۲م). *تفسیر المحرر الوجیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۰. ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل (۱۴۰۳م)، *تفسیر القرآن العظیم* (تفسیر ابن کثیر)، بیروت، دارالفکر.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق) *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز، انتشارات بنی هاشمی.
۱۲. اسفراینی، شاهفور (۱۳۷۵) *تفسیر تاج التراجم*، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ اول.
۱۳. البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود، (۴۱۴ق). *معالم التنزیل*، بیروت دارالکتب العلمیه.
۱۴. الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (۱۳۹۴) *سنن* (الجامع الصحیح) بیروت، دارالفکر.
۱۵. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۴۲) *مستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۶. الحسکانی، عبدالله بن احمد الحنفی، (۱۳۹۳ق) *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
۱۷. الخروکشی النیسابوری، ابو سعید (۱۳۶۱ش) *شرف النبی المصطفی*، طهران، بی جا.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (۴۰۹ق) *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری بیروت، دارالکتب العربی.
۱۹. رستمی، علی اکبر، (۱۳۸۰). *آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان*، چاپ حیدری.
۲۰. الزرقانی، عبدالعظیم (۱۹۸۸م) *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.

۲۱. الزرنندی، جمال الدین محمد بن یوسف (بی تا) *نظم درر السمطين*، تحقیق هادی امینی، طهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
۲۲. الزمخشري، محمود بن عمر بن محمد بن احمد (۱۳۶۱ق) *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۳. سبحانی جعفر (بی تا) *المناهج التفسیریة فی علوم القرآن*، الطبعة الثانية، نشر مؤسسه الامام الصادق.
۲۴. سبط ابن جوزی (بی تا) *تذکره الخواص*، تحقیق الشیخ حسین تقی زاده، مؤسسه اهل البيت.
۲۵. سیفی، علی اکبر (۱۳۸۶) *دروس التمهیدیة فی القواعد التفسیریة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۶. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۳۷۱ق) *تاریخ الخلفاء*، مصر مطبعة السعاده.
۲۷. ----- (۴۰۳ق). *در المنتثور فی التفسیر بالمأثور*، الطبع الاولى بیروت، دارالفکر.
۲۸. ----- (بی تا) *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، منشورات الشریف الرضی.
۲۹. ----- (۴۱۰ق) *لباب النقول فی اسباب النزول*، تحقیق بدیع السید الحام، بیروت، دار الهجره.
۳۰. الشاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۳۹۵ق) *الموافقات*، لبنان، دارالمعرفه.
۳۱. الشبراوی، محمد بن عامر (۱۳۶۳ق) *الاتحاف بحب الاشراف*، قم، منشورات رضی.
۳۲. الشبلنجی، مومن بن حسن (بی تا) *نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۳. شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶). *روش های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۳۴. الشوکانی، محمد بن علی، (بی تا) *فتح القدير الجامع بین الروایه و الدرایه فی علم التفسیر*، اعنی به یوسف الغوش، بیروت، دارالمعرفه و دار الکلم الطیب.
۳۵. الطباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه. قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۶. الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۴۰۶ق) *جامع البیان فی تأویل ای القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
۳۷. ----- (بی تا) *تاریخ الامم و الملوک* (تاریخ طبری) تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی (۴۰۹ق) *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۹. العک، شیخ خالد عبدالرحمن (۴۱۷ق) *جامع اسباب نزول*، کراچی، قدیمی کتاب خانه.
۴۰. علوی مهر، حسین، (۱۳۸۱ش) *روش ها و گرایش های تفسیری*، قم، انتشارات اسوه.

۴۱. الفخر رازی، محمد بن عمر بن حسین (بی تا) **مفاتیح الغیب** (تفسیر کبیر) دار احیاء التراث العربی
۴۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵) **قاموس قرآن**، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. القرطبی، ابو عبدالله بن احمد (۱۴۰۵) **الجامع لاحکام القرآن**. بیروت، دار احیاء العربی.
۴۴. القندوزی الحنفی، ابراهیم (۱۴۲۲ق) **ینایع الموده لذوی القربی**، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دار الاسوه.
۴۵. الكلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۱) **اصول کافی**، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامی.
۴۶. الكنجدی الشافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ق) **کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب**، طهران، دار احیاء تراث اهل البيت.
۴۷. المتقی الهندی، علاءالدین (۱۴۰۵) **کنز العمال فی السنن و الاقوال و الافعال**، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۸. محب الدین الطبری، احمد بن عبدالله (بی تا) **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، بیروت، دارالمعرفه.
۴۹. المجلسی، محمد باقر (۱۳۵۸ش) **بحار الانوار**، تهران مکتبه الاسلامیه. و (۱۴۰۴ق) بیروت، مؤسسه الوفاء
۵۰. المراغی، احمد المصطفی (۱۹۹۸) **تفسیر القرآن** (تفسیر مراغی) بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۱. المظهری، القاضی محمد ثناء الله (۱۴۲۵ق). **تفسیر المظهری**، تحقیق احمد غرو عنایه، الطبعة الاولى بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۵۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵) **تفسیر و مفسران**، ترجمه علی خیاط، چاپ سوم، قم، مؤسسه التمهید.
۵۳. المقریزی، تقی الدین (۱۴۴۲ق) **کتاب النزاع و التخاصم بین بنی امیه و بنی هاشم**، تحقیق دکتر حسین مونس، قم، الشریف الرضی.
۵۴. مودب سید رضا، (۱۳۸۰). **روش های تفسیر قرآن**، دانشگاه قم، انتشارات اشراق.
۵۵. مودب سید رضا (۱۳۸۶) **مبانی تفسیر قرآن**، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۵۶. میریاقری، سید محسن (۱۳۸۰). **ظاهر قرآن و باطن قرآن**، تهران، انتشارات رایزن.
۵۷. الوهبه الزحیلی، (۱۹۹۱م) **تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، دمشق، دارالفکر.
۵۸. الهیثمی، نورالدین (۱۴۱۷) **مجمع الزوائد و منهج الفوائد** بیروت، دار الکتب العربی.